

مدرسه هنر
تامند

با  بیا تام‌لند

دوره سالانه نئور ۱۴۰۴

فارسی ۳

علی عطری

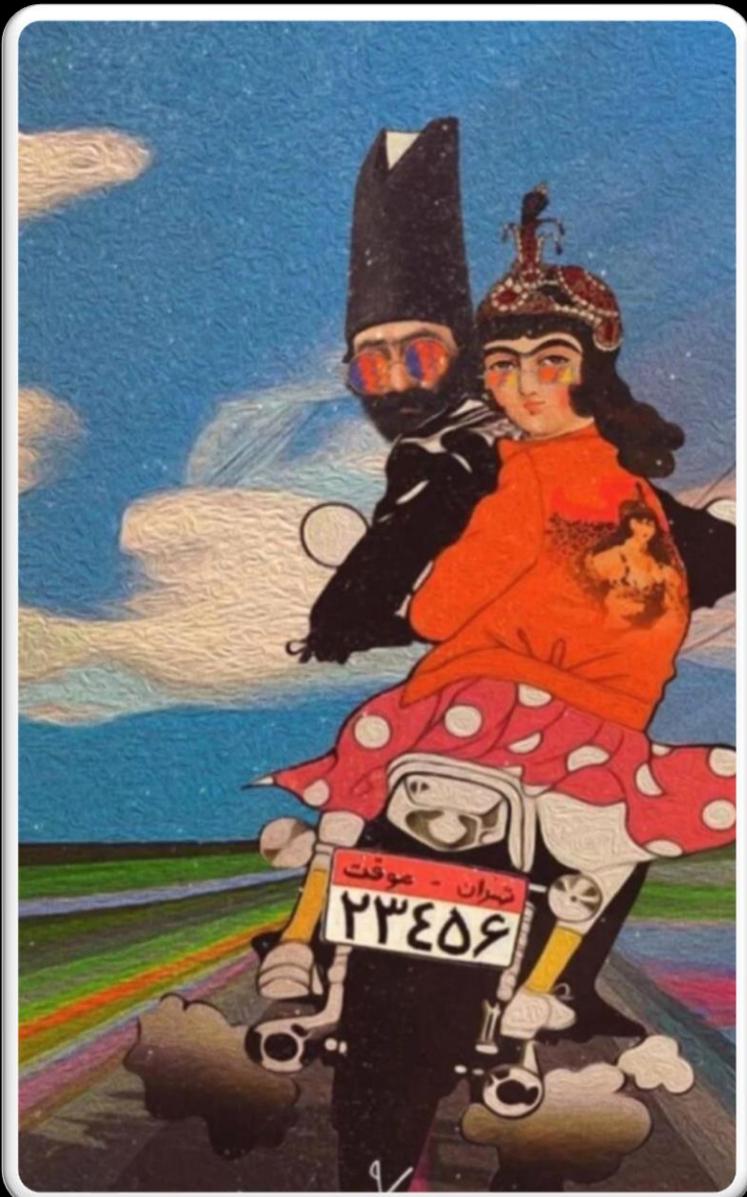
هفته ۱

پیشنیاز دستور زبان!





تأمین
(سازمان تامین)



دوره سالانه کنکور ۱۴۰۴

همسفر و هم‌قبیله ایم ...



مدرسه هنر
تامن



نقش‌های تبعی

انواع حذف

انواع را

پیشنیاز دستور زبان

دوره سالانه کنکور **۱۴۰۴**

مباحث امروز



شاخص سلامت ضرر کم چهارم بزرگ و عمیق



دوره سالانه کنکور ۱۴۰۴

نقش های تبعی

همه‌ی ما می‌دانیم که **نهاد**، **مفعول**، **مسند**، **متمم** و **فعل**، نقش‌های اصلی یک جمله‌اند. حال می‌خواهیم در مورد نقش‌هایی صحبت کنیم که نقش اصلی نیستند و از یکی از نقش‌های اصلی پیروی و تبعیت می‌کنند. و سه نوع می‌باشند:

۳- تکرار

۲- بدل

۱- معطوف

۱- معطوف

اسم یا ضمیر یا یک گروه اسمی بلافاصله بعد از «واو عطف» آمده است و ارزش دستوری آن با اسم یا ضمیر یا گروه اسمی قبل از «واو عطف» برابر است.



Sadeq Hedayat
1288 - 1330

معطوف

اسم
ضمیر
گروه اسمی

و

اسم
ضمیر
گروه اسمی

مثال:

عشق و آزادگی و حسن و جوانی و هنر
عجايب نيازيد كه بي سيم و زدم

به ياد لعل تو و چشم مست ميگونت
ز جام غم مي لعلی كه مي خورم خون است

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
كه حق صحبت مهر و وفا نگه دارد

معطوف

معطوف

معطوف ۲ مدل دیگه هم دیده میشه: **باعطف** **عکسوف**

مثال:

هم قبیله **یا** همسفر

اسم ضمیر گروه اسمی **یا** اسم ضمیر گروه اسمی

« **یا** »
عطف



عکسوف

باید حواسمون به ویرگول هایی که جای « واو عطف » اومده باشه !!!!

مثال: سعدی، قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و ترکیب بند های بی نظیری دارد.

« **ویرگول** »
عطف



۲- بدل

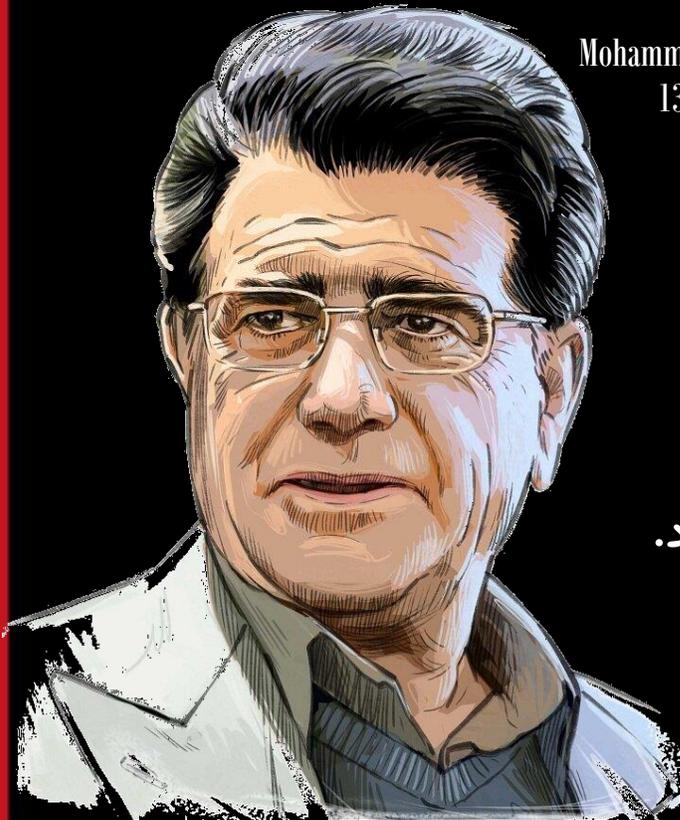
یک اسم یا یک گروه اسمی که اسم یا گروه اسمی قبل خود را بهتر یا دقیق تر بیان می کند و حذف آن به عبارت آسیبی نمی رساند.

اصل = فیک و بدل

مثال: شجریان، خسرو اوز ایران در کناره مقبره فردوسی به خاک سپرده شده است.

مثال: نام او سیمرغ است و در پس کوه قاف بلندترین کوه روی زمین بر درختی بلند آشیان دارد.

مثال: خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین پرورده کنار رسول خدا، حسین



Mohammadreza Shajarian
1319 - 1399



بدل های قابل حذف هستند !

نکته

اصل ها و بدل ها کسره نمی گیرند !

نکته



بدل
حسن بن علی

بدل
علی فرزاد حمید

بدل رو پیدا کنید :

مخوف
حجاز بود

~~بدل
در دوران امویان یکی از تیره های بزرگ بیله قریش حاکم عراق و حجاز بود.~~

بدل
حجاج بن یوسف

نکته

« این » و « بنت » بدل سازند

بند
بند

تمرین 

در عبارت زیر چند نقش تبعی وجود دارد ؟

قاسم بن الحسن فرزند حسن بن علی در جنگ عاشورا جنگ میان حق (باطل در رکاب عمویش حسین بن علی جنگید .

کتاب
۱۷ باب ۱۴۰۳
عم

نکته
گاهی اوقات ضمائر (خود / خودم / خویش / خویشتن
/ جمله / جمله / همگی / همه / همگی و...) می‌توانند **بدل** باشند

مثال: ~~من خود~~ به تو گفتم که برو اما کاش / گوش تو به حرف من بدهکار نبود

مثال: شور و شرّ و نفع و ضرّ و خوف و امن و جان و تن / جمله را سیلاب برده می‌کشاند سوی لا

مثال: ~~من خویشتن~~ آزادی و فقر گزیدم / هیچ است جهان هیچ ، به هیچی ندهم دل

مثال: ~~خویشان همه~~ در نیاز با او / هر یک شده چاره ساز با او (نهایی ۱۴۰۳)

۳- تکرار

کلمه‌ای که برای تأکید در معنا و نقش یکسان تکرار شده است

مثال: لاف زنم لاف که تو راست کنی لاف مرا / ناز کنم ناز که من در نظرت معتبرم

مثال: ای مرغ دل که خسته و بی‌تابی / دمساز باش با غم او دمساز

مثال: صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو

مثال: قصه است این قصه... آری قصه درد است، شعر نیست!

احمد شاملو

۱۳۰۴-۱۳۷۹





اکثر اوقاتی که نقشی تبعی تکرار داریم ،
حذف به قرینه لفظی هم داریم

نکته

نقشی تبعی تکرار رو با آرایه تکرار اشتباه نگیریم !
توی آرایه تکرار لزومی نداره نقشی کلمات یکسان باشه

نکته

پس نقش تبعی تکرار ، آرایه تکرار است اما هر آرایه تکرار، نقش تبعی تکرار نیست .



شاخص سبک ضرورتی فوری حجرتی و معنی



دوره سالانه کنکور ۱۴۰۴

انواع حذف

در زبان ادبی گاهی اوقات پیش می آید ، قسمتی از جمله (مخصوصاً فعل) حذف شود و در جمله حضور نداشته باشد ، که به آن «حذف به قرینه» می گویند . این حذفها دو نوع می باشند :

۱- حذف به قرینه لفظی

۲- حذف به قرینه معنوی

هنگامی که واژه یا واژگان حذف شده از جمله، در جمله قبل یا بعد یا در کلام وجود داشته باشد.

۱- حذف به قرینه لفظی

مثال: **مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، (است) لفظی**
هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات. **(است) لفظی**

مثال: بفرمود گنجینه گهرش / فشاندند در پای و زر بر سرش **(فشانند) لفظی**

مثال: گرفتار کمند خوب رویان / نه از مدحش خیر باشد نه از ذم **خبر با نه (لفظی)**

***توجه:**

حذف نهاد از جمله را، حذف به قرینه، محسوب نمی‌کنیم. در واقع منظور از حذف در کتب درسی ما، حذف فعل جمله است.

الان مثلا در مصرع زیر حذف وجود ندارد:

مثال: گویند که در عشق تو آسایش نیست تحلیل: آنها می‌گویند... «آنها» نهاد است که حذف شده ولی این حذف رو در نظر نمی‌گیریم.

هنگامی است که واژه یا واژگان حذف شده در کلام وجود نداشته باشد و ما به واسطه معنا به لزوم بودن آن پی می‌بریم.

۱- حذف به قرینه معنوی

آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل است / لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران است (مغز)

مثال :

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

مثال :

است (مغز)

به

خیلی وقتا فعل « است » و « نیست » بعد از « به » حذف به قرینه معنوی میشه!

است (معنوی)

مثال: - به که برگردی به ما بسپاریش / کی تو از ما دوست تر می‌داریش

مثال: - الهی مرا آن ده که آن به است معنوی

قسم

خیلی وقتا موقعی که قسم می‌خوریم فعل « می‌خورم » رو حذف به قرینه معنوی می‌کنیم!

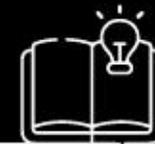
معنوی

مثال: - گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند (می‌خورم) معنوی

مثال: - گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی قسم می‌خورم (معنوی)

مثال: - به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر / چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را

قسم می‌خورم



منادا

- اکثر مواقع بعد از منادا ها فعل « با تو هستم » حذف به قرینه معنوی میشه!
- مثال:** - ای دیو سپید پای در بند / ای گنبد گیتی ای دماوند ← با تو هم رفوگم
- مثال:** ~~ای گنبد گیتی ای دماوند~~

در عبارت هایی که می‌گیم X فقط Y معمولا فعل « است » حذف میشه!

- مثال:** - غذا فقط کباب (است) مغزگ
- مثال:** - تیم فقط بایرن مونیخ (است) مغزگ
- مثال:** - همسفر فقط بچه های تاملند هستن مغزگ

X فقط Y

انواع حذف رو در ابیات زیر بررسی کنید: مغزک

الف

مثال: به نام چاشنی بخش زبان ها / حلاوت سنج معنی در بیان ها

حاشی (شروع می باشد)

در این لفظ

ب

مثال: دست از این پیش که دارد که ما؟ / زاری از این پیش که دارد که ما؟

داریم لفظی

ج

مثال: خمش ای عقل عطارد که در این مجلس عشق / حلقه زهره بیانت همه تسخر کردند

باز هم (هز)

پاش (معنی)

د

مثال: افسوس ز دست فلک سفله نواز / شهزاده به منت و گدازاده به ناز

است مغزک است لغزها

ما خودم مغزک



شاخص سنجش ضررین بنویسند چگونگی و معنی



دوره سالانه کنکور ۱۴۰۴

انواع را

مفعولی

این «را» در دل سؤال «چه کسی را؟»، «چه چیزی را؟» دیده می‌شود که به ما مفعول را نشان می‌دهد و پرتکرارترین «را» بین سایر «را»ها است.

تا درنگرد کی بی تو چون خواهم خفت

خدای عزوجل جمله را پیامرزا

یا قوت چه ارزد بده آن قوت روان را

نتواند که کند عشق و شکیبایی را

- باور نکنی خیال خود را بفرست

- نظیر خویش بنگذاشتنند و بگذشتند

- ساقی بده آن کوزه‌ی یا قوت روان را

- آب را قول تو با آتش اگر جمع کند

یک نوع «را» دیگری داریم که معنی حرف اضافه میدهد! یعنی چه؟! یعنی می‌گوییم «را» اما معنی «از، به، با، برای و...» می‌دهد! و ما می‌دانیم که بعد از حروف اضافه «از، به، با، برای و...» متمم می‌آید! پس اگر «را» ما معنی حرف اضافه بدهد، آن «را» متمم می‌سازد!

حرف
اضافه

روز وداع دوستان شب‌خوش بگفتم خواب **را**

خدای عزوجل جمله **را** بیامرزاد

سرآمد روزگار ظلم **با** من

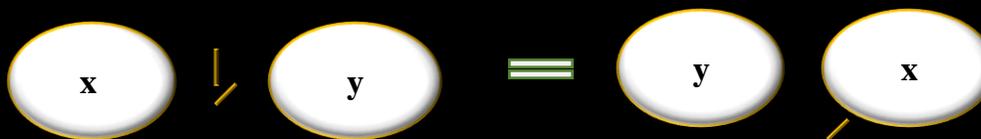
- من نیز چشم از خواب خوش برمی‌نکردم پیش از این

- دریای عشق **را** به حقیقت کنار نیست

- قضا **را** شاه آمد وقت رفتن

- نهان داشتن راز اهل بیت **را** مشارکت است

در گذشته بسیار نامرتب صحبت می کردند! یعنی مثلاً به جای اینکه بگویند «اینستاگرام من» می گفتند: «من را اینستاگرام!» در واقع در یک ترکیب اضافی، جای مضاف و مضاف الیه را عوض می کردند و بین این دو، یک «را» می گذاشتند! که ما به این را «را فک اضافه» یا «را بدل از کسره اضافه» میگوییم.



بس پریشانی باید بردنش چون موی دوست

تا دگر عیب نگویند من حیران را

یا مگس را پر بند یا غسل را سر پوشد

- هر که را خاطر به روی دوست رغبت می کند

- همه را دیده در اوصاف تو حیران مانی

- هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد

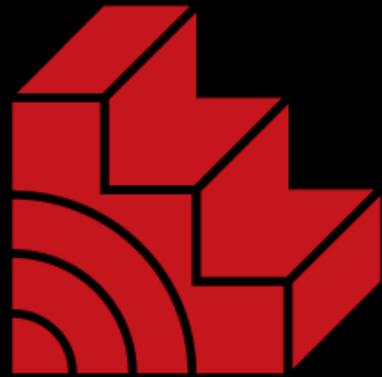


تامین
(سازمین تام)



دوره سالانه کنکور ۱۴۰۴

مدرسه هنر
تامین



همسفر و هم قبیله من ؛ خسته نباشی

علی عطری